

انتخاب شاگردان

¹ و هنگامی که گروهی بر وی ازدحام می نمودند تا کلام خدا را بشنوند، او به کنار دریاچه جنیسارت ایستاده بود.² و دو زورق را در کنار دریاچه ایستاده دید که صیادان از آنها بیرون آمده، دامهای خود را شست و شو می نمودند.³ پس به یکی از آن دو زورق که مال شمعون بود سوار شده، از او درخواست نمود که از خشکی اندکی دور برود. پس در زورق نشسته، مردم را تعلیم می داد.⁴ و چون از سخن گفتن فارغ شد، به شمعون گفت، به میانه دریاچه بران و دامهای خود را برای شکار بیندازید.⁵ شمعون در جواب وی گفت: ای استاد، تمام شب را رنج برده چیزی نگرفتیم، لیکن به حکم تو، دام را خواهیم انداخت.⁶ و چون چنین کردند، مقداری کثیر از ماهی صید کردند، چنانکه نزدیک بود دام ایشان گسسته شود.⁷ و به رفقای خود که در زورق دیگر بودند اشاره کردند که آمده ایشان را امداد کنند. پس آمده هر دو زورق را پر کردند بقسمی که نزدیک بود غرق شوند.⁸ شمعون پطرس چون این را بدید، بر پایهای عیسی افتاده، گفت: ای خداوند از من دور شو زیرا مردی گناهکارم.⁹ چونکه به سبب صید ماهی که کرده بودند، دهشت بر او و همه رفقای وی مستولی شده بود.¹⁰ و هم چنین نیز بر یعقوب و یوحنا، پسران زیدی، که شریک شمعون بودند. عیسی به شمعون گفت: مترس! پس از این مردم را صید خواهی کرد.¹¹ پس چون زورقها را به کنار آوردند، همه را ترک کرده، از عقب او روانه شدند.

عیسی شفا می کند یک مردی پر از برص را

¹² و چون او در شهری از شهرها بود، ناگاه مردی پر از برص آمده، چون عیسی را بدید، به روی در افتاد و از او درخواست کرده، گفت: خداوند، اگر خواهی می توانی مرا طاهر سازی.¹³ پس او دست آورده، وی را لمس نمود و گفت: می خواهم، طاهر شو. که فوراً برص از او زایل شد.¹⁴ و او را قدغن کرد که هیچ کس را خبر مده، بلکه رفته خود را به کاهن بنما و هدیه ای بجهت طهارت خود، بطوری که موسی فرموده است، بگذران تا بجهت ایشان شهادتی شود.¹⁵ لیکن خبر او بیشتر شهرت یافت و گروهی بسیار جمع شدند تا کلام

او را بشنوند و از مرضهای خود شفا یابند،¹⁶ و او به ویرانه ها عزلت جسته، به عبادت مشغول شد.

عیسی شفا می کند یک مفلوج را

¹⁷ روزی از روزها واقع شد که او تعلیم می داد و فریسیان و فقها که از همه بُلدان جلیل و یهودیه و اورشلیم آمده، نشسته بودند و قوّت خداوند برای شفای ایشان صادر می شد،¹⁸ که ناگاه چند نفر شخصی مفلوج را بر بستری آوردند و می خواستند او را داخل کنند تا پیش روی وی بگذارند.¹⁹ و چون به سبب انبوهی مردم راهی نیافتند که او را به خانه درآورند، بر پشتیام رفته، او را با تختش از میان سفالها در وسط پیش عیسی گذاردند.²⁰ چون او ایمان ایشان را دید، به وی گفت: ای مرد، گناهان تو آمرزیده شد.²¹ آنگاه کاتبان و فریسیان در خاطر خود تفکر نموده، گفتن گرفتند: این کیست که کفر می گوید؟ جز خدا و بس کیست که بتواند گناهان را بیامرزد؟²² عیسی افکار ایشان را درک نموده، در جواب ایشان گفت: چرا در خاطر خود تفکر می کنید؟ کدام سهلتر است، گفتن: اینکه گناهان تو آمرزیده شد، یا گفتن: اینکه برخیز و بخرام؟²⁴ لیکن تا بدانید که پسر انسان را استطاعت آمرزیدن گناهان بر روی زمین هست، مفلوج را گفت: تو را می گویم برخیز و بستر خود را برداشته، به خانه خود برو!²⁵ در ساعت برخاسته، پیش ایشان آنچه بر آن خوابیده بود برداشت و به خانه خود خدا را حمدکنان روانه شد.²⁶ و حیرت همه را فرو گرفت و خدا را تمجید می نمودند و خوف بر ایشان مستولی شده، گفتند: امروز چیزهای عجیب دیدیم.

دعوت لای

²⁷ از آن پس بیرون رفته، باجگیری را که لای نام داشت، بر باجگاه نشسته دید. او را گفت: از عقب من بیا!²⁸ در حال همه چیز را ترک کرده، برخاست و در عقب وی روانه شد.²⁹ و لای ضیافتی بزرگ در خانه خود برای او کرد و جمعی بسیار از باجگیران و دیگران با ایشان نشستند.³⁰ اما کاتبان ایشان و فریسیان همه هممه نموده، به شاگردان او گفتند: برای چه با باجگیران و گناهکاران آکل و شرب می کنید؟³¹ عیسی در جواب ایشان گفت: تندرستان احتیاج به طبیب

ندارند بلکه مریضان.³² و نیامده‌ام تا عادلان بلکه تا عاصیان را به توبه بخوانم.

دربارهٔ روزه

³³ پس به وی گفتند: از چه سبب شاگردان یحیی روزه بسیار می‌دارند و نماز می‌خوانند و همچنین شاگردان فریسیان نیز، لیکن شاگردان تو اکل و شرب می‌کنی؟³⁴ بدیشان گفت: آیا می‌توانید پسران خانهٔ عروسی را مادامی که داماد با ایشان است روزه دار سازید؟³⁵ بلکه ایّامی می‌آید که داماد از ایشان گرفته

شود، آنگاه در آن روزها روزه خواهند داشت.³⁶ و مثلی برای ایشان آورد که: هیچ‌کس پارچه‌ای از جامه نو را بر جامه کهنه وصله نمی‌کند والا آن نو را پاره کند و وصله‌ای که از نو گرفته شد نیز در خور آن کهنه نبُود.³⁷ و هیچ‌کس شراب نو را در مشکهای کهنه نمی‌ریزد والا شراب نو، مشکها را پاره می‌کند و خودش ریخته و مشکها تباه می‌گردد.³⁸ بلکه شراب نو را در مشکهای نو باید ریخت تا هر دو محفوظ بماند.³⁹ و کسی نیست که چون شراب کهنه را نوشیده فی‌الفور نو را طلب کند، زیرا می‌گوید کهنه بهتر است.